




The conflict of actors' interests and continuity in the durability of the Syrian crisis

Hamed Kazemi

Phd in Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran.


Email: hkazemi1368@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Loghman Kazem Pour

Phd in Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran.


Email: kp.loghman@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Masoud Akhavan Kazemi

Professor, Faculty Political Science, Razi University, Kertmanshah, Iran.

Email: mak392@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The Syrian crisis which began in 2011 with anti-state demonstration against its president is still ongoing after a decade. This country has become an arena of struggle between rival armed forces, both domestic and foreign ones. The main purpose of the current research is to decipher the patterns and elements governing the continuation of the Syrian crisis despite the harmful human and financial losses in the life span of this country. The question arising from this research is that: How can the problem of stability and continuation of the Syrian crisis be understood after a decade of conflict? The hypothesis that is proposed in the answer is that: the insistence of domestic, regional and extra-regional actors on the rules over the win-lose game and the lack of political compromise is considered to be the cause of the instability of the Syria crisis. The findings of the research show that the intensity of conflicts of interests of the stakeholders in the Syria crisis has created a zero-sum game at the internal, regional and extra-regional levels, which is not offer a positive perspective in coping with the crisis in a short period of time. This article has been written using descriptive-analytical method and library sources.

Keywords: Syrian crisis, Continuation of the crisis, games theory, Internal conflicts, Regional conflicts, International conflicts.



تعارض منافع بازیگران و تداوم در پایداری بحران سوریه

حامد کاظمی

(نویسنده مسئول)، دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.


Email: hkazemi1368@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

لقمان کاظم پور

دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.


Email: kp.loghman@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

مسعود اخوان کاظمی

استاد علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

Email: mak392@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

چکیده

بحران سوریه که در سال ۲۰۱۱ با تظاهرات ضد دولتی علیه رئیس‌جمهور کشور آغاز شد پس از یک دهه به‌صورت بی‌وقفه همچنان ادامه دارد و این کشور به عرصه مبارزه میان نیروهای مسلح رقیب داخلی و خارجی تبدیل گشته است. هدف اصلی پژوهش حاضر، رمزگشایی از الگوها و عناصر حاکم بر تداوم بخشی به بحران سوریه باوجود خسارات زیان‌بار انسانی و مالی در گستره حیات این کشور است. پرسش برآمده از تاملات این پژوهش آن است که، مسئله پایداری و تداوم بحران سوریه پس از گذشت یک دهه درگیری چگونه قابل فهم است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ مطرح می‌شود، اصرار بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر قواعد بازی برد - باخت و عدم مصالحه سیاسی عامل پایداری بحران سوریه تلقی می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شدت تعارضات منافع بازیگران ذی‌نفع در بحران سوریه یک بازی حاصل جمع صفر را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد نموده است که چشم‌انداز مثبتی را در حل و فصل بحران در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت ارائه نمی‌دهد. مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: بحران سوریه، تداوم بحران، نظریه بازی‌ها، تعارض‌های داخلی، تعارض‌های منطقه‌ای، تعارض‌های بین‌المللی.



مقدمه و بیان مسئله

بیداری اسلامی یا بهار عربی پدیده شگرفی در جهان عرب محسوب می‌شود که با خیزش‌های مردمی در شمال آفریقا پدیدار گشت و به صورت گسترده و فراگیر بسیاری از کشورهای عربی منطقه را در برابر موج گسترده تغییرات قرارداد. تونس، مصر، لیبی و بحرین برجسته‌ترین کشورهای بودند که پذیرای دور جدیدی از منازعات داخلی شدند. سوریه نیز کشوری بود که از سال ۲۰۱۱ با اعتراضات عمومی در مناطقی از کشور مواجه گشت. مبادرت و ابتکار دولت به سمت اصلاحات سیاسی و اقتصادی با دست رد گروه‌های مخالف روبه‌رو گشت و سرانجام کشور گرفتار جنگ داخلی و ویرانگری گشت که ابعاد تلفات انسانی و اقتصادی آن به شدت گسترده است. جایگاه تاریخی و ژئوپلیتیکی سوریه در توازن قدرت منطقه‌ای بهانه مداخله بازیگران خارجی را در این کشور فراهم نمود و ابعاد جنگ از سطح داخلی به سطوح منطقه‌ای و سیستمی گسترش پیدا کرد.

سرانجام بازی سوریه و سرنوشت آن به یک مسئله حیثیتی برای همه بازیگران دخیل در آن تبدیل شد. نقش مبرهن و جدایی‌ناپذیر سوریه در رقابت‌های گسترده‌تر بر سر رهبری آینده منطقه و تأثیر چیدمان آینده این کشور بر هندسه استراتژیک قدرت در غرب آسیا و پیامدهای جدی بر جهان، ماهیت آشکار و پنهان سوریه در معادلات قدرت جدید را به تصویر می‌کشد. صحنه سیاسی، پویایی مواضع اتخاذشده توسط قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و خارجی و منافع پیچیده بازیگران داخلی معمای بازی سوریه را بیشتر نمایان می‌کند.

جایگاه ویژه سوریه در غرب آسیا و مداخله شدید بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران سوریه سبب شد که دو دیدگاه مختلف نسبت به ماهیت چنین بحرانی شکل گیرد. عده‌ای معتقدند که، بحران سوریه از سرشتی داخلی برخوردار است که به دنبال مبارزات مردمی برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی در این کشور زایش گرفت. در سوی دیگر، برخی معتقد به جنبه خارجی بحران هستند و بحران سوریه این فرصت را فراهم نمود که بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت بهره‌برداری از بحران، بتوانند ژئوپلیتیک قدرت در منطقه را دگرگون سازند (سراج، ۱۳۹۰).

از همین رو مقاله حاضر درصدد است تا عوامل اصلی تشدیدکننده و تداوم‌دهنده بحران سوریه را در سه بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد واکاوی قرار دهد و ماهیت متعارض اهداف بازیگران دخیل در بحران، در همه سطوح به نمایش گذاشته

شود. نگارندگان با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها در صدد پاسخ به این سؤال هستند که، مسئله پایداری و تداوم بحران سوریه پس از گذشت یک دهه درگیری چگونه قابل فهم است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ مطرح می‌شود: اصرار بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر قواعد بازی برد - باخت و عدم مصالحه سیاسی، عامل پایداری بحران سوریه تلقی می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شدت تعارضات منافع بازیگران ذی‌نفع در بحران سوریه یک بازی حاصل جمع صفر را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد نموده است که چشم‌انداز مثبتی را در حل و فصل بحران در یک بازه زمانی کوتاه مدت ارائه نمی‌دهد.

۱. پیشینه پژوهش

روح‌الله قاسمیان در مقاله‌ای با عنوان «بحران سوریه و جنگ سرد جدید» در سال ۱۳۹۷ به ماهیت تقابل جدی میان شرق و غرب اشاره دارد و بحران سوریه را به‌عنوان عرصه تقابل جدید میان غرب به رهبری آمریکا و شرق به رهبری روسیه قلمداد می‌کند. ماها یحیی در مقاله «سیاست‌های مناقشه برانگیز در مناقشه سوریه» در سال ۲۰۲۰ عوامل استمرار بحران را، در تشدید خشونت میان دولت و نیروهای مخالف و نقش مداخله‌گر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جستجو می‌کند. رسول عرب جونقانی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی نقش بازیگران داخلی و منطقه‌ای و خارجی در پیدایش، گسترش و تشدید بحران سوریه (۱۳۹۰-۱۳۹۵)»، با بهره‌گیری از نظریه مدیریت بحران، سطح نقش آفرینی بازیگران مختلف در بحران سوریه را مورد بررسی قرار داده و سطح داخلی را دارای بیشترین تأثیر در این بحران قلمداد می‌کند. مسعود اخوان کاظمی و محمدکریم محمدی در مقاله «تحلیل نقش بازیگران و گفتمان‌های داخلی در تداوم و تعمیق بحران سوریه» در سال ۱۳۹۶، با استفاده از نظریه گفتمان به گفتمان‌های منازعه‌جو نیروهای داخلی در بحران سوریه اشاره دارد. نویسندگان اذعان دارند که عامل داخلی، فاکتور اصلی تداوم و تعمیق بحران در سوریه است. «کریستوفر فلیپس»^۱ (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای با عنوان «نظام بین‌الملل و جنگ داخلی سوریه»، با اشاره به گذار نظام بین‌الملل به مرحله چندقطبی، بیان می‌دارد که چنین‌گذاری در محاسبات سایر بازیگران برای به چالش کشیدن هژمونی آمریکا تأثیرگذار بوده است و همین امر سبب شده است تا بحران سوریه به

1. Christopher Phillips

آوردگاهی برای قدرت‌های جهانی تبدیل شود که این امر بر شدت و پیشرفت جنگ کمک نموده است. «امیرهان کایا»^۱ (۲۰۲۱)، در مقاله «بحران سوریه: یک درگیری اجتماعی طولانی؟»، با رد کردن قاطبه رویکردهای موجود در باب شروع و تداوم بحران سوریه، استدلال می‌کند که بحران مشروعیت ناشی از عدم توازن‌های اجتماعی- اقتصادی و فرقه‌ای، باعث آغاز جنگ داخلی و تداوم آن در سوریه شد. صالح ابودرا و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله «تقسیمات قومی و شروع جنگ داخلی سوریه»، با اشاره به بافتار چند قومیتی حاکم بر سوریه استدلال می‌کنند، اگرچه قومیت و فرقه‌های مختلف در تشدید بحران نقشی مهمی دارند اما علل اصلی شروع و تداوم بحران در سوریه به عدم تقسیم قدرت در این کشور برمی‌گردد. آندری پودارزا در مقاله (۲۰۱۸)، «علل ژئوپلیتیک و استراتژیک و پیامدهای جنگ سوریه و بحران پناهندگان»، علل مختلفی چون گذشته استعماری، رقابت آمریکا و شوروی، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، پاسخ سرد غرب به بهار عربی و رادیکالیزه شدن سوریه را به‌عنوان عوامل اصلی شروع بحران در سوریه برمی‌شمارد که به دلیل رقابت‌های بازیگران جهانی و منطقه‌ای بحران تشدید شده است. «سامی هدایا»^۲ در مقاله (۲۰۲۱)، «جنگ داخلی سوریه: فروپاشی یک مبارزه مردمی» بر رادیکالیزه شدن فرقه‌گرایی به‌عنوان فاکتور اصلی بحران سوریه اشاره دارد. نویسنده معتقد است که سیاست‌های دولت سوریه و بازیگران منطقه‌ای به تشدید فرقه‌گرایی و قطب‌بندی جامعه سوریه کمک نموده، که پایداری بحران را رقم‌زده است.

پژوهش حاضر از حیث مقایسه با نگاشته‌های مطروحه به‌صورت بسیط و جامع محور تعارض‌های موجود در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها در ارتباط با استمرار بحران سوریه مورد تشریح و تبیین قرار می‌دهد که نوآوری و تمایز این نگاشته را به تصویر می‌کشد.

۲. چارچوب نظری

نظریه بازی‌ها شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی است که موقعیت‌هایی را مدل‌سازی می‌کند که در آن بازدهی از تعاملات استراتژیک بین بازیگران پدید می‌آید. این بدان معنی است که حداقل دو بازیگر وجود دارند که بر نتایج تأثیر دارند و ترجیحات خود را اعمال می‌کنند. از آنجایی که هیچ‌یک از بازیگران نمی‌توانند نتیجه بازی را تعیین

۱. Emirhan Kaya

2. Sami Hadaya

کنند، هر بازیگر باید رفتار بازیگران دیگر را در نظر بگیرد (Tasci, 2020, p.4). در اینجا تصمیم‌های عقلانی در موقعیتی است که دو یا چند بازیگر تصمیم می‌گیرند و نتیجه بستگی به انتخاب هر یک دارد. در این روش "بهترین انتخاب" وجود ندارد و "بهترین نتیجه" وابسته به چیزی است که دیگران انجام می‌دهند.

به عبارت دیگر بازیگران باید نگاهشان نه تنها به خواسته‌ها و توانایی‌هایشان باشد. بلکه باید دیگران را هم مد نظر قرار دهند. نظریه بازی‌ها می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جنگ و صلح، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، دیپلماسی بین‌المللی، مذاکره یا ایجاد ائتلاف در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و برخی موقعیت‌های سیاسی مهم به کار رود. بازیگر ممکن است فرد، گروه یا حکومت ملی باشد. هر فرد در راستای تحقق اهدافش باید عقلانی عمل کند. نظریه بازی‌ها، به دنبال آن است که چگونه انسان‌های کاملاً عقلانی باید در شرایط رقابتی تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، این نظریه، شکلی از عقل‌گرایی است، اما در شرایط رقابتی قابل‌اجراست و نتایج بستگی به عمل دو یا چند بازیگر دارد. قواعد بازی انتخاب‌هایی را مطرح می‌کند که برای تمامی بازیگران قابل‌دسترسی است. در نظریه بازی، «بازدهی»، به ارزش‌هایی اشاره می‌کند که هر بازیگر به‌عنوان نتیجه انتخاب‌ها و مؤلفه‌هایش به دست می‌آورد (دای، ۱۳۸۷، صص ۶۲-۶۳).

از این رو، نظریه بازی‌ها، که هدف اصلی آن تحلیل رسمی رویه‌های تصمیم‌گیری و روابط بین دو یا چند بازیگر است، می‌تواند به نظریه‌پردازان و متصدیان روابط بین‌الملل در این زمینه کمک کند تا تعاملات بین بازیگران مورد نظر خود را توضیح دهند. تئوری بازی‌ها، نه تنها ابزار خاصی برای درک واقعیت‌های مختلف، بلکه ابزاری برای تأثیرگذاری بر تعاملات با مزایای گسترده فراهم می‌کند (Tema, 2014, p. 1). بسیاری از محققان نظریه روابط بین‌الملل، نظریه انتخاب عقلانی (رویکرد بازی) را روش‌شناسی‌ای می‌دانند که به جای نظریه روابط بین‌الملل، مبتنی بر درک پوزیتیویستی از علم است (Kurki & Colin, 2010, p. 24). به موازات آن، در سیاست بین‌الملل، نظریه بازی‌ها عموماً تعاملات استراتژیک خاص دولت‌ها و پیامدهای آن‌ها را از طریق زبان ریاضیات بررسی می‌کند (Güner, 2003, p.164). نظریه بازی‌ها با تمرکز بر سیاست‌گذاری عقلانی، سعی بر آن دارد تا استراتژی‌هایی را به طرفین پیشنهاد دهد که حامل بیشترین بازدهی برای بازیگران باشد، این همان حلقه وصله بین این نظریه و محققان علوم سیاسی است (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۸).

"قوانین، نتایج و تعامل"، سه عامل تعیین‌کننده اصلی نظریه، بازی‌ها هستند. تعاملات راهبردی زیادی در روابط بین‌الملل وجود دارد. به‌عنوان مثال، دولت‌ها با در نظر گرفتن تصمیماتی که سایر دولت‌ها می‌توانند اتخاذ کنند یا اتخاذ می‌کنند، درباره ارتش، محیط بین‌المللی و تجارت تصمیم‌گیری می‌کنند (Güner, 2003, pp. 163-164). نظریه بازی‌ها از ۴ مفروض اساسی برخوردار است:

۱. دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند که به‌صورت کنشگری عقلانی عمل می‌کنند و سعی بر آن دارند تا در قالب راهبردهای مختلف پیروز هر بازی باشند و بیشترین دستاورد را کسب نمایند؛
۲. انتخاب بهترین تصمیم از سوی هر دولت با سنجش تصمیمات دولت‌های دیگر و اینکه این تصمیمات می‌تواند چه پیامدی را برای آن داشته باشد؛ به بیانی دیگر، انتخابی هوشمند از دل پیامدهای مختلف؛
۳. هر دولتی بسته به استراتژی خود و استراتژی‌های دیگری، گزینه‌هایی برای انتخاب دارد که می‌تواند با سود و زیان‌هایی همراه باشد (سود و ضرر نسبت به دستاوردها و خسران‌های طرف مقابل محاسبه می‌شود)؛
۴. هر بازیگر می‌تواند در بازی، اطلاعات کامل یا ناقصی داشته باشد. گاهی احتمال برخورداری از اطلاعات کامل مهیا است و در بعضی بازی‌ها دستیابی به اطلاعات کامل امکان‌پذیر نیست (اختیاری امیری، ۱۳۹۸، صص. ۹-۱۰). بنابراین در نظریه بازی‌ها هدف بیشتر آن است تا یک بازیگر ضمن آگاهی از اثرگذاری تصمیمات دیگران بر تصمیمش، بتواند با تأثیرگذاری بیشتر بر تصمیمات دیگران بیشترین دستاورد و مطلوبیت را به خویش اختصاص دهد.

یکی از اساسی‌ترین تمایزاتی که ما در مورد نحوه عملکرد یک بازی قائل می‌شویم این است که آیا آن بازی حاصل جمع صفر است یا خیر. در یک بازی حاصل جمع صفر، منابع و پاداش‌ها ثابت هستند. بنابراین، سود برای یک طرف لزوماً متضمن ضرر برای طرف دیگر است زیرا، مجموع همه بردها و ضررها صفر است. در چنین بازی‌هایی، نتایج برد - برد غیرممکن است و منافع بازیگران مختلف کاملاً متضاد دیده می‌شود. در مقابل، در یک بازی با جمع غیر صفر، منابع و پاداش‌ها می‌توانند رشد کنند و همکاری می‌تواند نتایج حاصل از مجموع مثبت را درجایی که هر دو طرف سود می‌برند، ایجاد کند. بنابراین، این تمایز اساسی در مورد ماهیت

بازی، نگرش و دیدگاه هر بازیگر را نسبت به نحوه برقراری ارتباط با سایر بازیگران و همچنین گزینش راهبرد مناسب جهت کسب موفقیت را تحت الشعاع قرار داده است (Fearon, 2023, pp. 2-4).

۳. آغاز بحران سوریه

بحران سوریه از آنجا آغاز شد که خیزش‌های مردمی که در دسامبر ۲۰۱۰ در تونس آغاز شد، مراکش، لیبی، مصر و بحرین را تحت تأثیر دومینوی روند موسوم به "بهار عربی" یا "بیداری اسلامی" قرار داد و اما در سوریه روندی پیچیده به خود گرفت. تظاهرات ابتدا در مارس ۲۰۱۱ با درخواست اصلاحات از سوی دولت سوریه، آغاز شد و به خیزش‌های عمومی تبدیل شد که کم‌کم به سراسر کشور گسترش یافت و پس از واکنش قهریه ارتش برای سرکوب قیام، مخالفین خواهان استعفای بشار اسد از قدرت شدند. با تداوم بحران، دولت سوریه تمایل خود را برای انجام اصلاحات در این کشور نشان داد. دولت بشار اسد با حذف وضعیت اضطراری که به مدت ۴۰ سال در سوریه حاکم بود و اعطای حقوق شهروندی شروع به انجام اصلاحات در این کشور کرد. اما این اصلاحات در خاموش کردن بحران کشور راه به جایی نبرد (Demir and Rijnoveanu, 2013, pp. 58-59).

مرحله بعدی شامل دخالت قدرتهای منطقه‌ای در جنگ داخلی سوریه از جمله، ترکیه، عربستان سعودی و قطر شد، ایران نیز با درخواست دولت سوریه به صورت قانونی درگیر بحران سوریه شد. بنابراین، بحران سوریه به یک جنگ نیابتی تبدیل شد که ابتدا شامل خیزش‌های عمومی، جنگ داخلی و سپس مداخلات قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد.

بنابراین سوریه به میدان مبارزه جهانی برای نفوذ و قدرت‌نمایی تبدیل شد و سیاست قدرتهای بزرگ و منطقه‌ای را نیز در بعد واقع‌گرایانه به سیاست بین‌الملل نشان داد. یک بازی حاصل جمع صفر در سوریه شروع شد که در آن یک جریان برنده و جریان دیگری باید بازنده می‌شد. به‌ویژه، رقابت جهانی بین ایالات متحده، روسیه و چین به سوریه منتقل شد و دوره جدیدی آغاز شد که در آن نمونه‌ای از رقابت قدرتهای جهانی قابل مشاهده است. قدرتهای بزرگ با تعیین مجدد حوزه‌های نفوذ جهانی و منطقه‌ای خود بر بحران سوریه، در حال ترسیم ترتیبات جدید در سطح منطقه می‌باشند و روند تغییرات منطقه بیش از آنکه ناشی از

پویایی‌های منطقه‌ای و مردم آن باشد بازهم از سوی قدرت‌های جهانی در حال بازترسیم و بازتعریف است (Eksi, 2017, pp.109-110).

۴. تعارض‌های داخلی تداوم بحران

۴-۱. دولت قانونی سوریه

دولت سوریه شامل اعضای نیروهای امنیتی و سایر مقامات مانند شوراهای محلی یا سایر مقامات محلی هستند. همچنین باید توجه داشت که تمایز بین نیروهای رسمی دولتی و نیروهای غیردولتی همیشه روشن نیست. نیروهای مسلح سوریه متشکل از ارتش عربی سوریه، نیروی دریایی، نیروی هوایی، نیروهای دفاع هوایی و نیروهای دفاع ملی هستند. رهبران ارتش عربی سوریه کنترلی کامل بر بخش‌های خود ندارند. بعد از خروج بخشی از بدنه اصلی و پیوستن آن‌ها به ارتش آزاد سوریه، ارتش را دیگر نمی‌توان یک نیروی منسجم در نظر گرفت، بلکه می‌توان آن را ائتلافی از نیروهای منظم و شبه‌نظامیان متحد در نظر گرفت که از دولت سوریه محافظت می‌کنند (EUAA, 2023, P. 55).

دولت سوریه به‌عنوان قدرتمندترین و سازمان‌یافته‌ترین گروه در سوریه دو هدف اصلی خود را با متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دنبال می‌کند، که در تعارض با سایر گروه‌های مخالف در بحران موجود کشور است. هدف اول شکست دادن شورشیان و مخالفان و دوم؛ تثبیت دوباره نفوذ و بسط اقتدار فراگیر دولت در همه مناطق کشور با استفاده از تمام ابزارهای موجود است (Mirza and Et al, 2021, p. 47). اگرچه در ابتدای بحران مخالفین سوری نزدیک به ۶۰ درصد از خاک سوریه را تصرف نمودند اما با افزایش حمایت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دولت توانست با استفاده از تاکتیک‌های متنوع، بسیاری از مناطق تصرف‌شده را آزاد نماید و به دست برتر تحولات سوریه تبدیل شود (Yahya, 2020, p. 2)

سیاست دولت اسد در قبال مخالفین باوجود تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به بحران و حل‌وفصل سیاسی آن، همچنان بر بازپس‌گیری مناطق تحت تصرف مخالفین به‌ویژه در استان ادلب سوریه متمرکز شده و دولت به دنبال اعاده حاکمیت ملی در همه مناطق کشور است. در مورد مسئله کردها نیز باوجود خروج اختیاری دولت از مناطق کردنشین جهت تجمیع قوا علیه مخالفین عرب سنی، دولت اسد با هرگونه اعطای خودمختاری به کردها مخالفت کرده است و خواهان

برچیده شدن سیستم خودمدیریتی گردی در شمال و شمال شرق این کشور است. ایده‌های دولت در برخورد با مخالفین سنی و گرد با خواسته‌های جبهه مقابل کاملاً در تضاد قرار دارد و همچنان رویکرد مسالمت‌آمیز حل و فصل بحران محکوم به شکست است.

۴-۲. مخالفین داخلی (اعراب سنی)

گروه‌های عرب سنی مخالف دولت سوریه در قالب گروه‌ها و تشکل‌های متعارض هم‌زمان با شروع بحران در سوریه به نقش‌آفرینی در تحولات این کشور مبادرت ورزیدند. در یک طرف ارتش ملی سوریه است، که تحت چتر حمایتی ترکیه قرار دارد و توانست در سال ۲۰۱۹ جبهه آزادی‌بخش ملی (ارتش آزاد سوریه) را در صفوف خود قرار دهد. در سویه دیگر، اسلام‌گرایان قرار دارند. تحریر الشام یا سازمانی برای آزادی شام ائتلافی از گروه‌های مسلح سنی اسلام‌گرای ضد دولتی است، که از چندین جناح مسلح، از جمله جبهه فتح الشام (قبلاً به‌عنوان جبهه النصره شناخته می‌شد) تشکیل شده است و بزرگ‌ترین ائتلاف مخالفان را در حال حاضر تشکیل می‌دهد. داعش نیز سومین گروه اسلامی مخالف است که با وجود شکست‌های نظامی همچنان در پهنه سرزمینی سوریه فعال است (EUA, 2023, P. 57-58).

اردوگاه مخالفین از چنددستگی و تعارض منافع به‌صورت شدیدی رنج می‌برد به‌گونه‌ای که بخش بزرگی از انرژی و امکانات این نیروها صرف درگیری‌های درونی شد. ارتش آزاد سوریه در تضاد با گروه‌های اسلام‌گرا بر شکل‌گیری یک دولت سکولار و ملی‌گرا تمرکز دارد. اخوان‌المسلمین در سودای تشکیل دولتی اسلامی با قرائت خاص خویش است و گروه‌های سلفی نیز گفتمان ویژه خود را در سپهر سیاسی سوریه دنبال می‌کنند. گروه‌های غیرجهادی سوریه به‌شدت از بحران انسجام و شکاف درونی رنج می‌برند و بسیاری از متصرفات خود را از دست دادند و بر بخش‌های کوچکی در شمال سوریه سیطره دارند و به‌عنوان پیاده‌نظام ترکیه بیشتر در جنگ با کردها به سر می‌برند (Ford, 2019, p. 8).

مخالفین با تمرکز بر خواسته‌های چون، تغییرات رهبری و اصلاحات گسترده در نهادهای نظامی و امنیتی سوریه، تلویحاً این پیام را مخابره می‌کردند که دولت سوریه داوطلبانه پایه‌های قدرت خود را تسلیم کند. در مقابل، امتناع دولت از اعطای مشروعیت به اپوزیسیون سیاسی منجر به تنش‌های غیرقابل حلی شد که مذاکرات را نیز تضعیف کرد (Yahya, 2020, p. 8). اما اگر بخواهیم اهداف مخالفین در بستر تحولات

سوریه را تشریح نماییم، اولین مورد به ساقطنمودن دولت بشار اسد برمی‌گردد. مخالفین عرب سنی باوجود گرایش‌های ایدئولوژیکی متعدد در موضع ساقط کردن دولت سوریه اشتراک نظر واحدی دارند. دومین هدف اپوزیسیون سوری مخالفت با هرگونه قدرت‌گیری کردها در بخش‌های شمالی و شمال شرق این کشور است و تصرف مناطق کردنشین یکی از اولویت‌های اصلی مخالفین را تشکیل می‌داد و حتی گروه‌های متحد دولت ترکیه در قالب چندین دور حمله به مناطق کردنشین شهرهای عفرین و سریکانی و بخش‌های دیگری را به تصرف درآوردند.

۳-۴. کردها

در پیکره سیاسی و جغرافیایی سوریه نیز احزاب متعدد کردی حضور دارند که در قالب دو تشکل کلان «شورای میهنی کردستان سوریه» و «حزب اتحاد دموکراتیک» در عرصه سیاسی این کشور به کنش‌ورزی می‌پردازند. شورای میهنی کردهای سوریه، متأثر از حزب دموکرات کردستان عراق، خواهان سقوط دولت بشار اسد در سوریه بودند، اما در طرف مقابل، حزب اتحاد دموکراتیک به رهبری صالح مسلم قرارداد که مخالف سقوط دولت بشار اسد هستند و به‌عنوان حزب غالب مناطق کردنشین سوریه را در کنترل دارند (دولت‌آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴). این حزب باوجود از دست دادن برخی از مناطق تحت نفوذ خویش در پی حملات دولت ترکیه، همچنان دست برتر تحولات مناطق کردنشین است.

رابطه حزب اتحاد دموکراتیک با دولت سوریه و سایر سازمان‌های کرد با شروع جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ به‌شدت تغییر کرد. بااین‌حال، دولت سوریه و حزب اتحاد دموکراتیک باوجود دشمنی‌های گذشته، به دلیل منافع مشترک یک اتحاد ضمنی را تشکیل دادند. پس‌ازاینکه نیروهای دولتی شمال شرق سوریه را برای تمرکز بر مبارزه با مخالفان در غرب تخلیه کردند، اجزای حزب اتحاد دموکراتیک و یگان‌های «مدافع خلق»^۱ به‌طور یکپارچه نقش‌های حکومتی و امنیتی را برعهده گرفتند و از طرف اپوزیسیون مورد حمایت ترکیه و آمریکا، به همکاری با دولت متهم شدند (Maguire, 2020). حزب اتحاد دموکراتیک در سال ۲۰۱۳ تشکیل اداره خودگردان شمال و شرق سوریه معروف به «روژآوا» را اعلام کرد. عفرین، کوبانی و قامشلی سه منطقه از هم جدا در امتداد مرز شمالی بودند که اداره خودگردان شمال

1. YPG

و شرق سوریه را تشکیل می‌دادند (Schmidinger, 2018, p. 298). با شدت گرفتن حملات داعش در سوریه و مناطق کردنشین، کردها در ائتلاف با آمریکا به سمت همکاری با گروه‌های عرب شمال سوریه حرکت نمودند که سرانجام نیروهای کردی و یگان‌های عرب، «نیروهای دموکراتیک سوریه»^۱ را تشکیل دادند (Zaideh, 2017).

قدرت‌گیری نیروهای دموکراتیک سوریه در شمال این کشور و اصرار بر نهادینه نمودن پروژه خودمدیریتی در شمال این کشور سرانجام تعارض منافع میان این نیروها با دولت سوریه و مخالفین عرب را شدت بخشید.

کردها اگرچه مخالف سقوط بشار در سوریه نبودند، اما با بازگشت شیوه حکمرانی سابق در این کشور مخالف هستند و بازگشت سوریه به دوران قبل ۲۰۱۱ را به شدت رد می‌کنند. در قدم دوم کردها با ایجاد پروژه خودمختاری در شمال سوریه سعی دارند تا یک سوریه غیرمتمرکز با خودمختاری مناطق را در این کشور پایه‌گذاری نمایند. در گام آخر کردها مبارزه با نیروهای جهادی و داعش در سوریه را همچنان در دستور کار خود دارند.

سطح داخلی تعارض نیروهای حاضر در بحران سوریه نشان می‌دهد که توان تعیین‌کنندگی این نیروها برای به سرانجام رساندن این بحران همچنان با محدودیت روبه‌رو است. اگرچه توازن قدرت در سوریه به نفع دولت سوریه رقم خورده است، اما همچنان آرایش نیروهای ضد دولتی در بخش‌هایی از مناطق کشور باوجود حمایت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، حل‌وفصل بحران در کوتاه‌مدت را مشکل مواجه ساخته و اصرار به تحقق منافع از سوی همه نیروها اجازه یک بازی برد-برد را نمی‌دهد.

بنابراین راه‌کارهای سیاسی برای حل بحران به دلیل فقدان اراده کافی بازیگران و مستولی گشتن یک بازی با حاصل جمع صفر عملاً دچار شکست شده است.

جدول شماره ۱: اهداف متعارض بازیگران داخلی در یک بازی حاصل جمع صفر

اهداف دولت سوریه در بحران سوریه	اهداف مخالفین سنی در سوریه	اهداف کردها در سوریه
اعاده مجدد اقتدار دولت بر همه کشور	حذف و سرنگونی دولت سوریه	مخالفت با حکمرانی دولت به شیوه قبل ۲۰۱۱
مبارزه و شکست دادن مخالفین عرب سنی	ایجاد یک حکومت سکولار یا اسلامی	مبارزه با گروه‌های جهادی در کشور
مخالف با پروژه خودمختاری کردها	تضعیف و برچیدن خودمختاری کردها	ایجاد یک سیستم غیرمتمرکز در سوریه

۵. تعارض‌های منطقه‌ای تداوم بحران

۵-۱. ایران

دولت سوریه به‌عنوان یکی از حلقه‌های حیاتی محور مقاومت، کنشگری ژئوپلیتیک محور محسوب می‌شود که در منطقه غرب آسیا که در زمینه ژئوپلیتیک و نقش راهبردی در مناسبات منطقه‌ای و جهانی برای ایران اهمیت ارزنده‌ای دارد (محسنی، ۱۴۰۱، صص. ۲۱۵-۲۱۴). اولین هدف و منفعت اصلی ایران نسبت به تحولات سوریه در رابطه با جایگاه استراتژیک محورمقاومت علیه رژیم صهیونیستی است. به لحاظ استراتژیکی ایران و سوریه دشمنی مشترکی نسبت رژیم صهیونیستی و آمریکا دارند و این امر در اتحاد و پایداری روابط مابین دو کشور بسیار تأثیرگذار است (Gelbart, 2010). سوریه به‌عنوان پیونددهنده محور مقاومت برای ایران تلقی می‌شود. فروپاشی دولت سوریه و تضعیف محور مقاومت می‌تواند گزینه‌های تلافی‌جویانه ایران را در صورت حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی با محدودیت مواجه سازد (Ottens, 2012). ایران به سوریه به‌عنوان دروازه لبنان جهت پشتیبانی از حزب‌الله می‌نگرد (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۳). به‌زعم جمهوری اسلامی ایران، بحران سوریه ماهیت داخلی نداشته بلکه ماحصل توطئه خارجی و با هدف تضعیف محورمقاومت و در راستای منافع رژیم صهیونیستی بوده است (شاکری و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۷۱). محور اصلی سیاست ایران در رویکرد مذکور، لزوم حفظ جبهه مقاومت و جلوگیری از آسیب رساندن به آن با سرنگونی دولت سوریه و جایگزینی آن با یک دولت وابسته به غرب است (احدی، ۱۳۹۲، ص. ۳۱).

دومین هدف ایران در پرتو بحران سوریه حفظ «موازنه قدرت منطقه‌ای»^۱ است. وضعیت استراتژیک سوریه در معادلات منطقه‌ای و به نسبت بازیگران مختلف درگیر در آن عملاً با یک بازی برد - باخت برای قدرت‌های منطقه‌ای همراه شده به گونه‌ای که با هرگونه تغییر در قواعد بازی، برندگان و بازندگان آن نیز به سرعت تغییر پیدا می‌کنند. بنابراین ایران به دولت اسد در رابطه با همسایگانش و به‌ویژه عربستان و ترکیه به‌عنوان یک «دارایی استراتژیک»^۲ می‌نگرد (Fulton, 2010).

سومین هدف ایران به مقابله با گروه‌های تروریستی و رادیکال برمی‌گردد. گروه‌های جهادی داعش و النصره از برجسته‌ترین جریان‌های رادیکال محسوب می‌شوند. ظهور گروه داعش در عراق و سوریه مانعی عمده برای ایران و محور مقاومت محسوب می‌شود. ایران به‌عنوان یک کشور شیعه به لحاظ وجودی توسط گروه‌های سنی محور تهدید می‌شود. یکی از اهداف این گروه‌های سلفی حذف جامعه شیعه به‌طور کامل بوده است (Barnard, 2014). این تلاش توسط تصمیم‌گیران ایران به‌عنوان تهدید وجودی برای گفتمان شیعه برآورد می‌شود و تمام تلاش خود را برای حذف یا محدودسازی این گروه‌ها را در عراق و سوریه به کار بسته‌اند. سه هدف مطروحه ایران تا حدود زیادی در تضاد با اهداف سایر بازیگران منطقه‌ای حاضر در بحران سوریه هستند. بنابراین دست‌کشیدن و عقب‌نشینی از چنین اهدافی می‌تواند به تغییر زمین بازی به نفع رقبای منطقه‌ای منجر شود.

۵-۲. ترکیه

ترکیه دومین قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود که به‌صورت فعال و همه‌جانبه از اوایل شکل‌گیری بحران سوریه در آن مداخله و مشارکت نموده است. کشور سوریه برای ترکیه همسایه‌ای مهم و استراتژیک محسوب می‌شود. این امر صرفاً منوط به نزدیکی جغرافیایی نمی‌باشد، بلکه دلایل تجاری و امنیتی دارد. از طرف دیگر سوریه نقش حیاتی در امنیت ترکیه بازی می‌کند و به‌خصوص در مسئله کرد به حمایت سوریه نیازمند است (Idrees, 2011, p. 90).

اولین اولویت ترکیه در سوریه، ساقط نمودن دولت بشار اسد از اریکه قدرت است. با ناکامی ترکیه در تغییر نظام سیاسی در سوریه، آنکارا رویکرد خود را تغییر داد و به حمایت سیاسی از مخالفین در مقابل رژیم اسد پرداخت (Demir and

1. Regional Balance of Power
2. Strategic Asset

پس از آن، ترکیه با تبدیل شدن به میزبان مخالفان دولت سوریه، روند انتقال سلاح و مبارزین را برای تقویت موضع مخالفین برعهده گرفت (Özdemir and Ataman, 2020). در واقع ترکیه محرک اصلی و اولیه تشکیل شورای ملی سوریه در اکتبر ۲۰۱۱ برای کمک به نابودی اسد بود (Futak-Campbell and Sauvage, 2022, p.13).

دومین هدفی که ترکیه در صفحه شطرنج سوریه دنبال می‌کند، تغییر توازن قدرت منطقه‌ای و بسط قدرت ژئوپلیتیکی خویش در غرب آسیا بود. ترکیه با حمایت از گروه‌های اخوانی سعی بر آن داشت تا ژئوپلیتیک قدرت منطقه‌ای را به ضرر ایران و عربستان دگرگون سازد. ترکیه به رهبری اردوغان به این نتیجه رسیده که گفتمان مقاومت در آسیای جنوب غربی در بین توده‌های اجتماعی جهان اسلام طرفدار زیادی دارد. به همین دلیل تلاش می‌کند محوریت ایران در گفتمان مقاومت را به چالش بکشد (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۷). در واقع ترکیه در سوریه به دنبال یک آرمان منحصراً سنی است (عالم، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۰).

سومین و مهم‌ترین هدف ترکیه در سوریه مبارزه با جریان‌های کردی حاضر در بازی چندوجهی و پیچیده سوریه است. اگرچه نگرانی ترکیه نسبت به کردها ریشه در یک قرن گذشته دارد و به نوعی با مسئله جدایی‌خواهی کردها در ترکیه در ارتباط است اما آغاز بحران سوریه و سیطره کردها بر مناطق شمال و شرق این کشور نگرانی ترکیه را چند برابر نمود (Cengil and Haffman, 2017, p. 6). از این‌رو ترکیه تاکتیک‌های مختلفی را برای مقابله با کردها اتخاذ نمود. اولین مورد انفعال در برابر تحرکات داعش در مناطق کردنشین بود تا از این طریق داعش بتواند کردها و اهدافشان را نابود کند (نقدی عشرت‌آباد، ۱۳۹۸، ص. ۷۷). دومین تاکتیک از طریق انشقاق در درون جریان‌های کردی راهبری می‌شد. در اینجا ترکیه سعی نمود از طریق گروه‌های کردی نزدیک به اربیل توان و نیرو حزب اتحاد دموکراتیک را به تحلیل برد (Cengil and haffman, 2017, p. 6).

پس از بی‌نتیجه ماندن گزینه‌های اولیه سرانجام ترکیه از طریق پاسخ نظامی نسبت به خودمختاری کردها واکنش نشان داد. به همین خاطر ۵ عملیات نظامی از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ انجام شد که شامل عملیات‌های سپر فرات، شاخه زیتون، چشمه صلح و استقرار نیروهای نظامی در ادلب بوده است (مهرابیان و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۰). به دنبال آن ترکیه مجموعه گسترده‌ای از شمال سوریه را اشغال کرده است و آزادسازی این مناطق تا زمان اطمینان‌یافتن از خطر کردها به راحتی امکان‌پذیر

نیست (Loft, 2023, p. 12). اگرچه ناتوانی ترکیه در ساقط نمودن دولت اسد تغییراتی را در راهبردهای ترکیه در قبل سوریه به همراه داشته و این کشور با قبول واقعیت‌های موجود سعی در برقراری ارتباط با دولت سوریه داشته است اما اصرار بر عدم اعطای امتیاز و مصالحه سیاسی از سوی ترکیه باعث شده است که همچنان این کشور از قاعده بازی حاصل جمع صفر پیروی نماید.

۳-۵. عربستان

آغاز بحران در سوریه برای عربستان به‌عنوان یک فرصت راهبردی تلقی می‌شد تا موازنه قدرت در منطقه را به ضرر ایران و متحدانش رقم زند (جانسیز و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۸۰). پیرو چنین نگرشی، در ژوئن ۲۰۱۲، عربستان سعودی، اولین محموله اسلحه را از طریق مرزهای ترکیه به دست معترضان در سوریه رساند (Philips, 2015, p. 4). از سوی دیگر، دستگاه دیپلماسی عربستان در چند کانال فعال بود؛ از یک طرف این کشور با ارسال درخواست‌هایی برای اتحادیه عرب، سازمان ملل متحد و شورای امنیت و همچنین با افتتاح کانالی در جهت ارتباط با شورشیان برآمد و از طرفی دیگر با همکاری با محور غربی- عربی علیه سوریه تلاش زیادی کرد تا بر دولت اسد فشار زیادی وارد کند (Harriet, 2012, p. 8). عربستان نیز همچون بسیاری از بازیگران دخیل در بحران سوریه اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند که به شرح ذیل می‌باشد.

تغییر موازنه قدرت منطقه به ضرر ایران و ترکیه، اولویت استراتژیک عربستان در پرتو مداخله در امور داخلی سوریه است. جنگ سوریه در نگاه عربستان بهترین فرصت برای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و محور مقاومت در عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن تلقی گردید که در این نگرش، ایران به‌عنوان یک تهدید بزرگ استراتژیکی و امنیتی باید مهار شود (عریضی میبدی و صفوی همای، ۱۴۰۱، ص. ۱۷۹). مهم‌ترین هدف عربستان سعودی ایجاد توازن منطقه‌ای است و راه رسیدن به این هدف نابودی اسد و ایجاد یک حکومت سنی و محافظه‌کار در سوریه است. فروپاشی اسد می‌تواند منجر به تحکیم قدرت ریاض در لبنان و عراق شود (Blanga, 2017, p. 58). حاکمیت نیروهای وفادار عربستان در سوریه کاملاً در تعارض با منافع ایران و ترکیه در منطقه می‌باشد و عملاً ژئوپلیتیک قدرت در منطقه را دگرگون خواهد کرد.

دومین هدف در راهبردهای سوری عربستان حذف اسد از قدرت و تقویت جایگاه نیروهای وفادار در این کشور است. این راهبرد به‌صورت حمایت‌های مالی و سیاسی از مخالفین سوریه به‌صورت مداوم وجود داشته است (Sjöstedt, 2023, p. 25). در واقع،

دولت عربستان دنبال این است که با حذف بشاراسد از دایره قدرت و بازی ضمن تقویت جایگاه منطقه‌ای خویش، ایران و محور مقاومت را با تنگنای ژئوپلیتیکی مواجه سازد و از این طریق کریدور سنی-وهابی را با کریدور شیعی-ایرانی در منطقه جایگزین نماید.

سومین هدف عربستان با توجه به مشارکت گروه‌های ایدئولوژیکی مختلف در بحران سوریه، تقویت مواضع نیروهای جهادی سنی در این کشور است. عربستان در تلاش است تا با حمایت از اکثریت سنی ضمن مهار مخالفان داخلی فضای همبستگی میان آن‌ها، نظم و الگوی سلفی مورد نظر خود را در برابر الگوی شیعی یا اخوانی بر این کشور تحمیل کند (کرمی، ۱۳۹۱). منافع متعارض عربستان در بازی رمزآلود سوریه، گویای آن است که این کشور با محاسبه منافع سایر بازیگران درصدد تحصیل منافع خود در بحران سوریه است. این امر نشان می‌دهد حلقه‌های واسله منافع بازیگران منطقه‌ای عملاً از هم گسیخته می‌باشد به‌نوعی که عربستان درصدد پیگیری گونه‌ای از قواعد بازی است که منافع سایر بازیگران را به رسمیت نمی‌شناسد. برقراری روابط دیپلماتیک میان عربستان و سوریه در ماه‌های اخیر اگرچه یک گشایش در روابط دمشق و ریاض را نشان می‌دهد اما تعارضات عربستان با سایر بازیگران منطقه‌ای در سوریه همچنان پایدار است و در کوتاه‌مدت نمی‌توان دورنمای مثبتی را در همگرایی منافع و پایان‌دادن به بحران سوریه متصور شد.

۵-۴. رژیم صهیونیستی

چهارمین بازیگر منطقه‌ای دخیل در بحران سوریه رژیم صهیونیستی می‌باشد که به‌واسطه نزدیکی جغرافیایی و دشمنی تاریخی با دولت سوریه، پایه ثابت مداخله در بحران سوریه است. اگرچه سوریه به مدت نیم‌قرن مستقیماً خطری را برای رژیم صهیونیستی ایجاد نکرده است ولی همچنان به‌عنوان مهم‌ترین و خطرناک‌ترین کشور ضد رژیم صهیونیستی در ناحیه محسوب می‌شود (ساجدی، ۱۳۹۲). رژیم صهیونیستی نیز به‌تبع سایر بازیگران مداخله‌گر در بحران سوریه اهداف و منافع متنوعی را برای خویش ترسیم کرده است تا بتواند با تضعیف قدرت رقبا به برنده تحولات سوریه تبدیل شود.

ساقط‌شدن دولت سوریه و تغییر موازنه قدرت در منطقه هدف اصلی رژیم صهیونیستی در مواجهه با تحولات سوریه است. اگرچه نگرش مداخله مستقیم در بحران و ایده حمایت از نیروهای مخالف دولت سوریه با متمرکز نمودن آن‌ها در مرز

رژیم صهیونیستی از سوی برخی جریان‌ها مطرح شد، اما تصمیم‌سازان رژیم صهیونیستی با ترس از متهم‌شدن به توطئه در امور داخلی سوریه و پیامدهای منفی آن، گزینه حمایت مستقیم از مخالفین را کنار گذاشتند. از نگاه رژیم صهیونیستی دومینوی سقوط رهبران منطقه در جهت تأمین منافع ایران اتفاق خورده است اما وضعیت سوریه شرایطی را رقم زد که رژیم صهیونیستی بر مبنای یک بازی حاصل جمع صفر، ایران را بازنده و خود را برنده بحران قلمداد می‌نمود (Rabinovich, 2012, p. 5-6).

دولت رژیم صهیونیستی هم‌زمان با شروع بحران در سوریه تمرکز خود را بر محدود کردن اسد و متحدانش به‌ویژه ایران و حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌های همسو با ایران گذاشته است. رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۳ حملات هوایی زیادی را برای تحصیل چنین هدفی انجام داده است. این عملیات‌ها بخشی از سیاست گسترده‌تر محدودسازی علیه نفوذ ایران در خاورمیانه را شکل می‌دهد (loft, 2023, p. 18). در سپتامبر ۲۰۱۸، کاتر وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی، تصریح کرد که «رژیم صهیونیستی بیش از ۲۰۰ حمله را علیه نیروی‌های مقاومت انجام داده است». در می ۲۰۱۹ رژیم صهیونیستی حملات خود را علیه پایگاه‌های نیروهای حامی ایران در دمشق، حمص و سایر جاهای دیگر سوریه ادامه داد و خساراتی را به بار آورد (EASO, 2020, p. 11). بنابراین برای تحصیل منافع یا باید دولت سوریه سقوط کند یا اینکه توان نیروهای مقاومت در یک جنگ فرسایشی رو به تحلیل رود.

بعد دیگر از اهداف رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه، مرتبط به ابقا یا سقوط دولت بشار اسد بود. ابقای بشار اسد در قدرت، به معنای پیروزی ایران و محور مقاومت تلقی می‌شد و از سوی دیگر، سقوط بشار می‌توانست به حاکمیت گروه‌های تندرو سنی بر سوریه منجر شود که چنین پیامدی نیز در تضاد با منافع منطقه‌ای رژیم صهیونیستی است و می‌تواند معادله قدرت و بازی را به ضرر رژیم صهیونیستی رقم زند. بنابراین مقابله با گروه‌های تندرو و عدم حمایت از چنین نیروهایی بخشی دیگر از راهبردهای رژیم صهیونیستی در قبال سوریه را پوشش می‌داد. مطلوبیت رژیم صهیونیستی در پرتو تحولات سوریه به قدرت رسیدن جریان‌های حامی آمریکا و غرب در این کشور است که می‌تواند به بسط قدرت منطقه‌ای رژیم صهیونیستی کمک کند و توازن قدرت در منطقه را تغییر دهد (International Crisis Group, 2018, pp. 3-4). خواسته‌های رژیم صهیونیستی نیز در تقابل با منافع سایر بازیگران منطقه‌ای دخیل در بحران سوریه است و بهترین دستاورد برای رژیم صهیونیستی، باخت ایران

و به نسبت کمتری شکست پروژه‌های عربستان و ترکیه در این بازی چالش‌برانگیز است. تعارضات بازیگران منطقه‌ای درگیر در بحران سوریه، بیانگر شکاف عمیق در اهداف و نیات چنین کنشگرانی است؛ به‌نوعی که هرگونه پیروزی، شکست دیگر رقبا را رقم می‌زند و حتی در سطح منطقه‌ای نیز پویایی‌های خاص و متغیری را به دنبال دارد، که می‌تواند توازن قدرت منطقه‌ای را به‌شدت دگرگون سازد. هرگونه عقب‌نشینی در سوریه به معنای پذیرش شکست و واگذاری بازی به رقبا محسوب می‌شود. بنابراین ترس از دست‌دادن اعتبار و ترسو پنداشته‌شدن توسط سایر بازیگران باعث گردیده است که همچنان اصرار بر منافع متضاد و متعارض از سوی بازیگران منطقه‌ای در دستور کار باشد و در پرتو چنین فرایندی، بحران سوریه همچنان روند پایدار خویش را حفظ نموده است.

جدول شماره ۲: اهداف متعارض بازیگران منطقه‌ای در بازی حاصل جمع صفر

اهداف ایران در بحران سوریه	اهداف ترکیه در بحران سوریه	اهداف عربستان در بحران سوریه	اهداف رژیم صهیونیستی در بحران سوریه
حفظ فشار اسد در قدرت	سرنگونی یا تضعیف دولت سوریه	سرنگونی یا تضعیف دولت سوریه	سرنگونی و یا تضعیف دولت سوریه
مبارزه با گروه‌های جهادی و تروریستی	مبارزه با کردها و برچیدن پروژه خودمختاری آن‌ها	حمایت از نیروهای جهادی	مبارزه و تضعیف جایگاه محور مقاومت
حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای با حمایت از محور مقاومت	تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای با حمایت از اخوان المسلمین	تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای با حمایت از نیروهای جهادی	تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای با حمایت از نیروهای طرفدار غرب

۶. تعارض‌های فرامنطقه‌ای تداوم بحران

۶-۱. روسیه

روسیه و سوریه به لحاظ تاریخی در نوع روابط فرازوفرودهای فراوانی را تجربه نموده‌اند. اما سقوط شوروی دوره‌ای از رکود را در مناسبات دو کشور رقم زد، به‌نوعی که کاهش قدرت روسیه منجر به اتخاذ یک سری سیاست‌های منفعلانه در قبال غرب آسیا از سوی این کشور شد. با به قدرت‌رسیدن پوتین، استراتژی انفعال با

راهبرد حضور گسترده در معادلات ژئوپلیتیکی و بین‌المللی جایگزین گردید و در بحبوحه جنگ سوریه در سال ۲۰۱۵ روسیه با کنار گذاشتن سیاست صبر و انتظار به مداخله گسترده برای حفظ آخرین پایگاه کمونیستی مبادرت ورزید و به تعریف منافع پرداخت؛ که در زیر به آن اشاره می‌شود.

اولویت استراتژیک روسیه در سوریه بر مدار حفظ دولت بشار اسد به‌عنوان یک متحد دیرینه می‌چرخد. روسیه سقوط اسد و به قدرت رسیدن گروه‌های تندرو و جهادی را در تضاد با راهبردهای منطقه‌ای و جهانی خویش می‌پندارد. بنابراین سوریه پلی برای توسعه نفوذ منطقه‌ای روسیه محسوب می‌شود و به‌عنوان یک وزنه مهم در تصمیم‌سازی‌های روسیه برای منطقه عمل می‌کند. همچنین حاکمیت یک حکومت سنی ضد روسی منافع و پروژه احیای ابرقدرتی این کشور را به شدت تهدید می‌کند، بدین‌سان حفظ اسد یک پیروزی بزرگ ژئوپلیتیکی برای روسیه قلمداد می‌شود (Ndidi Oligie, 2020, pp. 95-99).

دومین هدفی که مداخله روسیه در بحران سوریه را ضروری ساخت، حفظ توازن قدرت در غرب آسیا با حفظ دولت اسد در مقابل آمریکا و غرب است. بنابراین مداخله روسیه به‌عنوان مخالف با سیاست‌های مداخله‌گرایانه غرب در غرب آسیا تلقی می‌شود (Pukhov, 2012, p. 2). روسیه به شدت از تقویت جایگاه دولت‌های غربی در منطقه هراس دارد و تغییر توازن قدرت در منطقه را به هیچ‌وجه بر نمی‌تابد. دفاع تمام‌قد روسیه از سوریه در مقابل کشورهای مداخله‌گر غربی با سیاست حفظ توازن قدرت منطقه‌ای روسیه در تقارن است و روسیه حاضر به پذیرش شکست در مقابل دولت‌های غربی نیست. روسیه معتقد است غرب به دنبال تکرار تجربه لیبی در سوریه برای سرنگونی اسد تحت عنوان قطعنامه‌های سازمان ملل است (Jafarova, 2014). بنابراین روسیه با دقت ضمن محاسبه اقدامات و نیت کشورهای غربی، در حال پیشبرد منافع خویش و هزینه‌بردار نمودن حضور سایر مداخله‌گرایان در بحران است، تا شکست آمریکا و متحدانش را رقم بزند.

سومین اولویت سوریه در پرتو بحران سوریه به مقابله با گروه‌های جهادی و تندرو اسلامی برمی‌گردد. از نظر کرملین، شکست اسد می‌تواند با پیامدهای ویرانگری برای ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی همراه باشد (Parker, 2017, p. 5). بر اساس برآورد نهادهای امنیتی روسیه حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از ملیت‌های روسی‌زبان از شمال قفقاز، روسیه و جوامع چچنی گرجستان، ترکیه و اروپا به گروه‌های افراطی مانند جهاد النصر و احرار الشام پیوسته بودند. اعلام وفاداری بسیاری از رهبران داغستانی و

چینی به داعش ترس روسیه از گسترش رادیکالیسم و صدور آن به روسیه را دوچندان نمود. بنابراین راهبرد حفظ دولت سکولار اسد برای نابودی جریان‌های رادیکال بهترین گزینه بود (Kozhanov, 2018). در راهبردهای کردی روسیه نیز باید ادعان نمود که روسیه با دادن یک حقوق حداقلی سیاسی و فرهنگی به کردها موافق است، اما پروژه «خودمختاری»^۱ گسترده کردها از سوی روسیه رد شد.

۲-۶. آمریکا

آمریکا به‌عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای هم‌زمان با آغاز بحران در سوریه، ایده مداخله در امور داخلی این کشور را با آغوش‌باز پذیرا شد. سیاست‌های ضد رژیم صهیونیستی سوریه، حمایت از حزب الله لبنان و روابط نزدیک با ایران، قدرت مداخله در امور داخلی این کشور را برای تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای فراهم آورد. (Sofer, 2012) آمریکا نیز با درگیر شدن در بحران سوریه منافی را در اولویت قرارداد که در نقطه مقابل روسیه و نیروهای محور مقاومت قرار داشت.

نخستین هدف آمریکا حذف بشار اسد از بازی قدرت سوریه بود. واشنگتن در تلاش است تا معادلات سیاسی و اجتماعی حاکم در سوریه را به نفع آمریکا و متحدانش تغییر دهد. یکی از موانع مهم از دید آمریکا وجود دولت اسد در قدرت است که منجر به تشکیل ائتلاف دولت‌های ایران و روسیه شده است. به همین خاطر با حضور نظامی خود به حمایت از گروه‌های مخالف عرب و نیروهای دموکراتیک سوریه برای جنگ علیه اسد و مقابله با هژمونی و برتری اسد در تمام سوریه پرداخت (Jafari and Musavi, 2021, p. 291).

دومین هدف آمریکا به مقابله با گروه‌های جهادی و افراطی برمی‌گردد. اگرچه به لحاظ سنتی مبارزه با تروریسم یکی از اهداف اصلی آمریکا در غرب آسیا است. نیروهای آمریکا از سال ۲۰۱۵ عملیات‌های گسترده‌ای با ارجاع به مجوزهای سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ برای استفاده از نیروی نظامی در داخل سوریه علیه گروه‌های تروریستی انجام داده‌اند. عملیات نظامی آمریکا بیشتر بر گروه داعش متمرکز است و در حال حاضر ۹۰۰ نظامی آمریکا در مناطق کردنشین مسئولیت مبارزه با داعش را برعهده دارند (Blanchard, 2023). از سال ۲۰۱۷ با مشارکت گسترده کردها با نیروهای ائتلاف مبارزه با داعش شدت گسترده‌تری به خود گرفت. مهم‌ترین ابزار آمریکا

در جهت تحقق این هدف وجود پایگاه‌های متعدد آمریکا در غرب آسیا و در مناطقی از کشور سوریه است. پایگاه العدید یکی از اصلی‌ترین پایگاه‌های آمریکایی بود که به منبع اصلی حملات آمریکا به سوریه تبدیل شد (اکرمی، ۱۴۰۰، ص. ۳۲۷). ائتلاف و حمایت نظامی از کردهای سوریه سومین اولویت آمریکا در مواجهه با بحران سوریه را تشکیل می‌دهد.

اگرچه تا زمان حمله داعش به شهر کردنشین کوبانی آمریکایی‌ها در حمایت از کردها مردد بودند اما از سال ۲۰۱۴ به بعد در یک ائتلاف نظامی، آمریکا به سمت روابط گسترده‌تر با کردها حرکت نمود تا بتواند حضور نیروهای خویش را در این کشور تضمین نماید تا در معادلات قدرت و حفظ توازن در برابر نیروهای روسی، ایرانی و سوری بتواند همچنان نفوذ ژئوپلیتیکی خویش را به قیمت تضعیف رقبا حفظ نماید (Aziz, 2020, p. 14).

رهاکردن کامل مناطق کردی سوریه به معنای تغییر توازن قدرت به نفع روسیه و متحدان آن در منطقه می‌باشد.

تعارضات موجود میان دو قدرت بزرگ جهانی در هنگامه تحولات سوریه نشانگر اصرار هر دو بازیگر بر منافع خویش و عدم واگذاری امتیاز است، اگرچه در بحث مبارزه با افراطی‌گری هر دو کشور از یک موضع واحد برخوردارند اما سایر مؤلفه‌ها دال بر تضاد منافع این دو قدرت فرمانطقه‌ای است که، بازی حاصل جمع صفر را در سوریه پیگیری می‌نمایند.

جدول شماره ۳: اهداف متعارض قدرت‌های فرمانطقه‌ای در بازی حاصل جمع

اهداف روسیه در بحران سوریه	اهداف آمریکا در بحران سوریه
حمایت از دولت سوریه	سرنگونی یا تضعیف دولت سوریه
مبارزه با نیروهای رادیکال و تروریستی	مبارزه با نیروهای رادیکال و تروریستی با حمایت از کردها
حفظ توازن قدرت در منطقه با حمایت از دولت سوریه	تغییر موازنه قدرت در منطقه با حمایت از نیروهای مخالف دولت و کردها

نتیجه‌گیری

بازتولید بحران و تداوم آن در سیمایی شدت‌یافته‌تر، مختصات حاکم بر سرنوشت سوریه در سال ۲۰۱۱ تا به ۲۰۲۳ بوده است. کانون دغدغه مقاله کالبدشکافی چرخه بحران و ریشه‌یابی عوامل تداوم‌دهنده بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ به بعد است. پژوهش با رویکرد تحلیلی و با رجوع به پیکره جدید آرایش نیروها در شطرنج‌بازی سوریه، نقش همه نیروهای داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به‌عنوان متغیر اصلی در پیچیدگی و بغرنج شدن بحران سوریه تبیین و تشریح نمود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نسبت به سایر بحران‌های منطقه‌ای، بحران سوریه از حیث زمانی، بازده طولانی‌تری را تجربه کرد. چنین شرایطی در پیوند آشکار با ماهیت اهداف متعارض بازیگران داخلی، منطقه‌ای و خارجی در این کشور است. تکثر نیروهای مداخله‌گر در گستره جغرافیایی سوریه سبب گردیده که یک سری منافع متعارض در زمین بازی سوریه رشد پیدا کنند. روند پیچیده و معماگونه حاکم بر قواعد بازی در سوریه، پیش‌بینی اهداف و نیات بازیگران را دشوارنموده است و سبب گشته تا بازیگران دخیل در بحران، با پیروی از قواعد بازی حاصل جمع صفر در پی تحمیل شکست بر سایر رقبا باشند. حاکم‌شدن نوعی توازن قدرت در این کشور سبب‌شده که سطح تعیین‌کنندگی همه کنشگران در صورت مواجه‌شدن با روندها و سرنوشت بحران در وضعیتی شکننده باشد (اگرچه توازن قدرت به‌صورت نسبی به نفع دولت و متحدان آن است اما همچنان حل‌وفصل یک‌جانبه بحران دور از دسترس است). در بازی بحران سوریه همه بلوک‌های درگیر در آن مقابل هم ایستاده‌اند. اگر هیچ‌کدام تغییر جهت (سیاست) ندهند، برخورد خواهند کرد؛ اگر هرکدام تغییر جهت دهد "بزدل، ترسو و بازنده" است. اگر بلوک‌ها تغییر مسیر دهند تا از مرگ بگریزند، خواستار بدنامی ترسو خوانده شدن نیستند.

برایند چنین منطق و قواعدی بر بازی سوریه از سوی بازیگران داخلی (دولت، مخالفین عرب و کردها)، منطقه‌ای (ایران، ترکیه، عربستان و رژیم صهیونیستی) و فرامنطقه‌ای (روسیه و آمریکا) کارآمدی سازوکارهای حل‌وفصل‌کننده بحران در همه سطوح را با شکست مواجه ساخته است تا بحران سوریه کماکان روند پایدار خویش را حفظ نماید و چشم‌انداز صلح بیش از پیش با ابهام و تاریکی همراه باشد.

فهرست منابع

- احدی، محمد (۱۳۹۲)، «بحران سوریه، تغییر موازنه و روند آن»، فصلنامه نگاه ۲، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی شهید صیاد شیرازی، شماره ۲۵.
- اکرمی، طه (۱۴۰۰)، «تحول راهبرد پایگاهی آمریکا: مطالعه موردی منطقه غرب آسیا (۲۰۱۵-۲۰۲۱)»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۲.
- امیری اختیاری، رضا؛ رشیدی، احمد؛ محمدی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «تحلیل بهترین انتخاب سیاست خارجی قطر در قبال ایران و عربستان سعودی در چارچوب نظریه بازی‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم.
- باقری دولت‌آبادی، علی؛ رحیمی دهگلان، سیروان (۱۳۹۴)، «بحران سوریه: بررسی انگیزه‌ها، مواضع و آینده کردها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۹، شماره ۱.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ رحمانی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «قلمرو خواهی ایران و آمریکا در خاورمیانه»، چ دوم، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جانسیز، احمد؛ بهرامی مقدم، سجاد؛ ستوده، علی (۱۳۹۳)، «رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۲.
- دای، تامس (۱۳۸۷)، «مدل‌های تحلیل سیاست‌گذاری عمومی»، ترجمه سویل ماکویی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره اول.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۲)، «بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه». مجله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۲۴.
- سراج، رضا (۱۳۹۰)، «نگاه راهبردی به پشت پرده بی‌ثباتی در سوریه»، مرکز آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی تابان، ۵ آبان.
- سلطانی نژاد، احمد؛ ابراهیمی، نبی‌الله؛ نجفی، مصطفی (۱۳۹۵)، «منافع و ملاحظات قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه». فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۷.
- شاکری، اصغر؛ الله کرم، عبدالحسین؛ ساوه درودی، مصطفی؛ خلیلی، ابراهیم (۱۴۰۰)، «راهبردهای سیاستی ایران و ترکیه برای افزایش نقش آفرینی در بحران سوریه». فصلنامه دولت‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران، دوره جدید، سال هفتم، شماره ۳.
- کولایی، الهه؛ حریری، رحمان؛ اسدی کیا، بهناز (۱۳۹۴)، «مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۲، شماره ۳.
- عالم، ریحانه (۱۳۹۱)، «جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه». ماهنامه اطلاعات راهبردی، تهران. انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی، سال ۱۰. شماره ۱۱۰.

- عریضی میبیدی، سید مرتضی؛ صفوی همامی، حمزه (۱۴۰۱)، «الگوهای دوستی و دشمنی در محاسبات عربستان سعودی و سوریه در مجموعه امنیتی»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۳.
- محسنی، سجاد (۱۴۰۱)، «متغیرهای تأثیرگذار بر آینده زنجیره مقاومت در منطقه غرب آسیا (با تأکید بر یمن، عراق، سوریه و لبنان)»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۳.
- مهربیان، زهرا سادات؛ احمدی نوحدانی، سیروس؛ قادری، مصطفی (۱۴۰۱)، «بررسی علائق و نگرانی هتی ژئوپلیتیک ترکیه در سوریه». فصلنامه مطالعات بنیادی و کاربردی جهان اسلام سال ۱۴، شماره ۱۳.
- نقدی عشرت‌آباد، جعفر؛ گرشاسپی، رضا؛ صادقی، هادی (۱۳۹۸). «ساختار نظام بین‌الملل و سیاست ترکیه در برابر داعش»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳۱.

References

- Ataman, Muhittin and Özdemir, Çağatay (2020), Turkey's Syria Policy:
- Constant Objectives, shifting Priorities. Turkish Journal of Middle Eastern
- Studies ISSN: 2147-7523, E-ISSN: 2630-5631.
- Aziz, Lara, (2020), The Syrian Kurds in the US foreign policy: long-term
- strategy or tactical ploy?, Centre d'étude des crises et conflits internationaux.
- www.cecrilouvain.be.
- Blanga U Yehvda (2017). »The Role of the Muslim Brotherhood in the Syrian
- Civil War«, Middle East Policy council, Vol xxiv, No 3, [http:// Wiley. Com](http://Wiley.Com).
- Barnard, A. (2014). "Muslim Shrine Stands as Crossroads in Syria's Unrest,"
- The New York Times, 8, April.
- Blanchard, Christopher M, (2023), Syria and U.S. Policy. <https://crsreports.congress.gov>
- Cemgil, C. Hoffman, C. (2016), The "Rojava Revolution" in Syria Kurdistan: A
- Model of Development for the Middle east? Institute of Development Studies, 47 (3)27-43.
- Demir, Sertif (2013). "The impact of the Syria crisis on the Global and
- regional political Dynamics." Scientific Researcher, Institute for Political
- Studies of Defense and military History, Bucharest, Romania.
- Ekşi, Muharrem (2017). "The Syrian Crisis as a Proxy War and The Return of
- the Realist Great Power Politics." Uluslararası Kriz ve Siyaset Araştırmaları
- Dergisi (2017).
- EUAA (2023). Country guidance: Syria, European Union Agency for Asylum
- (EUAA), https://euaa.europa.eu/sites/default/files/publications/2023-02/2023_Country_Guidance_Syria.pdf
- European Asylum Support Office (2020). Syria Actors.
- Fearon, Andrews, Patricia (2023). "Zero-Sum Mindset & Its Discontents.,
- University of Cambridge, 2023.
- Ford, Robert S. (2019). "The syrian civil war." POLICY (2019). POLICY

- PAPER 2019-8, The Middle East Institute 1319 18th Street NW Washington, D.C. 20036
- Futák-Campbell, Beatrix, & Hylke DE SAUVAGE NOLTING (2022).
- "Turkey as Normative Power: Connections with the Muslim Brotherhood during the Arab Spring." *Uluslararası İlişkiler Dergisi* 19, no. 74 (2022): 3-19.
- Fulton, Will (2010). Syria-Iran Foreign Relations, July 15, <https://www.criticalthreats.org/analysis/syria-iran-foreign-relations>
- Gelbart, J. (2010). The Iran-Syria Axis: A Critical Investigation, Stanford Journal of International Relations, Fall, https://web.stanford.edu/group/sjir/12-1/fall10-final_5.pdf.
- Güner, Serdar (2003). "Oyun Kuramı ve Uluslararası Politika". METU Studies in Development 30 (2): 163-180.
- Harriet, Sherwood (2012). "Arab League Urges Joint UN-Arab Peacekeeping Mission in Syria", The Guardian, February 12. (<http://www.guardian.co.uk/world>).
- Idrees, Mohammed (2011). Turkey and Iran Rivalry on Syria. ALTERNATIVES TURKISH JOURNAL OF INTERNATIONAL RELATIONS www.alternativesjournal.net.
- International Crisis Group (2018). Peace, Preventing War Shaping. "Israel, Hizbollah and Iran: Preventing Another War in Syria." Middle East Report 8, no. 182 (2018).
- Jafari, Ali Akbar & Musavi, Seyed Saleh (2021). The Confrontation between USTurkey's Strategic Interests in Northern Syria and Iran's Foreign Policy, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 10, No. 2, Summer, pp. 281-309.
- Jafarova, E. (2014). Solving the syrian knot: Dynamics within the UN security council and challenges to its effectiveness. *The Quarterly Journal*, 13(2), 25-50. Retrieved from <https://search.proquest.com/docview/1524698834?accountid=165872>
- Kozhanov, Nikolay (2018). Main Drivers of Russian Military deployment in

- Syria. International Studies Journal (ISJ) / Vol. 13 / No. 4 /spring 2017 / pp.21-38.
- Kurki, Milja and Colin Wight (2010). "International Relations and Social Science". International Relations Theories: Discipline and Diversity. Eds.
- Tim Dunne, Milja Kurki and Steve Smith. Oxford: Oxford University Press
- Loft, Philip (2023). Syria's civil war in 2023: Assad back in the Arab League.
- Commons Library Research Briefing.
- Maguire, D. (2020). A Perfect Proxy? The United States-Syrian Democratic Forces Partnership. Proxy War Project Conflict Series.
- Mirza, Nadeem, Muhammad, Abbas, Hussain & Qaisrani, Hasnain (2021),
- Liberal Arts & Social Sciences International, eISSN: 2664-8148 (online),
- <https://www.ideapublishers.org/index.php/lassij>, Vol. 5, No. 1.
- Ndi Oligie, Clement (2020). Why Russia is involved in the Syrian Civil War: One Issue, Many Views. ACTA UNIVERSITATIS DANUBIUS Vol. 12, no. 1.
- Ottens, N. (2012). Qatar, Saudi Arabia Not on Same Page in Syria, Atlantic Sentinel, September 19, <http://atlanticsentinel.com/2012/09/Qatar-not-on-same-page-in-syria/>.
- Parker, Angela Stent (2017). "Putin's Power Play in Syria: How to Respond to Russia's Intervention," Foreign Affairs.
- Phillips, Christopher (2015). »Gulf Actors and the Syria Crisis«, Middle East Centre, London School of Economics and Political Science.
- Pukhov, R. (2012). Russia's Syria policy analysed. *BBC Monitoring Former Soviet Union*. Retrieved from: <https://search.proquest.com/docview/1023507481?accountid=165872>.
- Rabinovich, Itamar (2012). *Israel's View of the Syrian Crisis*. Saban Center for Middle East Policy at the Brookings Institution, 2012
- Sjöstedt, Roxanna (2023). Syria: Iran's and Saudi Arabia's new playground?.
- Lund University FKVK02 Department of Political Science.

- Schmidinger, T. (2018). Rojava: Revolution, war and the future of Syria's Kurds (Vol. 129). London: Pluto Press.
- Sofer, Ken (2012). Next Steps in Syria. A look at US Priorities and Interests, Center for American Progress, <http://www.americanprogress.org>.
- Tasci, Deniz (2020). Game Theory: Importance, Applications and Contributions in International Relations, file:///C:/Users/1/Downloads/DenizTasci_21804454.pdf
- Tema, Malvina (2014). "Basic assumptions in game theory and international relations." *International Relations Quarterly* 5, no. 1 (2014): 1-4.
- Yahya, Maha (2020). "Contentious politics in the Syrian conflict: Opposition, representation, and resistance." *Carnegie Endowment for International Peace*.
- Zaidh, R. (2017). Raqqa's Liberation and US Policy in Syria. Arab Center Washington DC. Retrieved from <https://arabcenterdc.org/resource/raqqas-liberation-and-us-policy-in-syria/>. [Accessed on 11 May 2022].